

لابی اعراب و گسترش ایران هراسی در سیاست خارجی امریکا

رحیم افشاریان*

محمدجعفر جوادی ارجمند**



* کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبایی afsharianrahim@gmail.com

mjjavad@ut.ac.ir

** دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران

تاریخ تصویب: ۹۶/۴/۸

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱۵

فصلنامه روابط خارجی، سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۷، صص ۴۴-۷.

چکیده

سیاست امریکا در قبال ایران پس از انقلاب اسلامی، رویکرد تقابلی داشته و صرف نظر از ماهیت نظام جمهوری اسلامی، تحت تأثیر کانون‌هایی است که تا به امروز مانع از عادی شدن روابط دو کشور شده‌اند. بدون شک لابی‌های طرفدار اسرائیل نقش پررنگی در دشمنی دو کشور ایفا می‌کنند، اما در این میان، لابی‌های عربی نیز با حمایت برخی از حکومت‌های غرب آسیا سعی در تشدید خصومت ایران و امریکا دارند. پرسش کلیدی این است که «راهبرد اصلی لابی‌گری اعراب علیه ایران در سیاست خارجی امریکا کدام است؟» که از میان پاسخ‌های متفاوت، فرضیه «برجسته‌سازی قدرت ایران برای برهم‌زدن نظم غرب آسیا از طریق تشدید و تداوم ایران‌هراسی در سیاست‌های ایالات متحده»، بهترین پاسخ است. لابی‌های عربی تاحدودی در نیل به اهداف خود در این زمینه موفق بوده‌اند، اما تحولات غرب آسیا و آینده انرژی (به‌ویژه در حوزه نفت)، سبب می‌شود که در بلندمدت چشم‌انداز تأثیرگذاری این لابی‌ها روشن نباشد و ادله این ادعا در مقاله حاضر واکاوی می‌شود. تلاش می‌شود با روش توصیفی، مؤلفه‌های اصلی در لابی‌گری اعراب استخراج و برمبنای تحولات جاری و تأکید بر چشم‌انداز دلایل تضعیف نقش این لابی‌ها، بررسی شود.

واژه‌های کلیدی: سیاست خارجی امریکا، لابی‌گری، لابی اعراب، برنامه هسته‌ای ایران

مقدمه

کشوری با مختصات سیاسی و جغرافیایی ایران، با دشواری‌هایی در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی روبروست و طبیعتاً تلاقی این دو محیط بر میزان اثرگذاری این چالش‌ها می‌افزاید. حکومت اغلب کشورهای عربی غرب آسیا، همواره ایران را تهدیدی علیه خود دانسته‌اند و تخاصم امریکا با ایران پس از انقلاب اسلامی، زمینه را برای تأثیرگذاری اعراب از طریق تأثیرگذاری‌ها بر سیاست خارجی ایالات متحده در قبال ایران فراهم کرده است.

یکی از مواردی که سازمان سیاست خارجی ایالات متحده را شکل می‌دهد، پذیرش نقش لابی‌های فکری، قومی و مذهبی و نیز گروه‌های بانفوذ موسوم به گروه‌های فشار است. این گروه‌های فشار در لایه‌های پنهان قدرت چنان رویکردهای سیاست داخلی و در سطحی بالاتر سیاست خارجی را متأثر می‌کند که بعضاً در تضاد با منافع ملی امریکا هم هست. در این میان لابی‌های اسرائیلی - صهیونیستی پرنفوذترین کانون‌ها بر سیاست‌های تقابلی امریکا با ایران هستند، اما در سطحی پایین‌تر لابی‌های اعراب سعی دارند با معرفی ایران به‌عنوان «تهدیدی بالقوه» برای امنیت منطقه‌ای و جهانی، ضمن مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های داخلی خود، تنش‌زدایی از روابط ایران و امریکا را جلوگیری نمایند. هرچند انگیزه اولیه لابی‌گری اعراب در امریکا «معامله بر سر نفت» و «حمایت از فلسطین» بوده است، اما اکنون «آرمان فلسطین» اولویت چندانی برای این کشورها ندارد (طباره، ۲۵ مهر ۱۳۸۹).

از مهم‌ترین موانع نقش‌آفرینی ایران در منطقه و جهان، سیاست‌های تقابلی



امریکا با این کشور است. دلیل اصلی این خصومت، ماهیت انقلابی حکومت جمهوری اسلامی است. این واقعیت که بخشی از سیاست خارجی امریکا در قبال ایران تحت تأثیر لابی‌های اسرائیلی شکل می‌گیرد، امری آشکار است؛ در این میان برخی حکومت‌های عربی به خصوص عربستان سعودی نیز در تدوین سیاست‌های مورد بحث دخیل‌اند که همین مسئله به دغدغه‌ای برای محققان جهت واکاوی علمی آن شده است.

با تأکید بر مؤلفه‌های یادشده، این پرسش مطرح است که «راهبرد اصلی لابی‌گری اعراب علیه ایران در سیاست خارجی امریکا کدام است؟» و در آزمون پاسخ‌های مختلف، این فرضیه شکل می‌گیرد که «برجسته‌سازی قدرت ایران برای برهم‌زدن نظم غرب آسیا از طریق تشدید و تداوم ایران‌هراسی در سیاست‌های ایالات متحده»، مهم‌ترین راهبرد می‌باشد. مقاله حاضر در ۴ بخش سعی در واکاوی فرضیه پیشین دارد. در بخش اول مفهوم لابی و لابی‌گری به‌عنوان مبانی نظری مطرح است. در بخش دوم جایگاه لابی‌ها در سیاست امریکا بررسی می‌شود. سومین بخش به پیشینه و جایگاه اعراب در جامعه امریکا می‌پردازد و در نهایت، چگونگی سازماندهی فعالیت لابی‌های عربی در سیاست خارجی امریکا در برابر ایران و آینده آنها مورد نظر خواهد بود.

روش پژوهش حاضر توصیفی و به‌دنبال آن است تا با استفاده از منابع معتبر و تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده، نقش لابی‌های عربی را در سیاست خارجی امریکا در قبال ایران بررسی نماید.

۱. چارچوب نظری: نقش لابی‌ها و گروه‌های فشار بر سیاست

واژه لابی^۱ در لغت به معنای راهرو و سراسر است. در معنای خاص، لابی‌کردن یعنی تلاش برای تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های دولت و تأمین منافع گروه‌های ذی‌نفوذ.^۲ گروه‌های ذی‌نفوذ (معروف به گروه‌های فشار^۳ یا گروه‌های حامی^۱)،

1. Lobby
2. Interest Groups
3. Pressure Groups

گروه‌هایی با سازماندهی منسجم یا غیرمنسجم اما دارای اهداف و منافع مشخص و معین هستند که برای تحقق آنها به دنبال تأثیرگذاری بر روند سیاسی یا تصمیم‌گیران مرتبط هستند. اصطلاح «لابی» برای اولین بار در اواسط قرن شانزدهم میلادی، در زبان انگلیسی به کار گرفته شد. این کلمه بیشتر به سالن‌ها و راهروهای مجلس عوام انگلستان که در آنها مردم درخواست‌های خود را به نمایندگان عرضه می‌داشتند، اطلاق می‌شد (Rosental, 2001: 13).

این واژه رسماً در دهه ۱۸۳۰ به وجود آمد. جمعیتی از گروه‌های خاص بودند که در لابی‌های کنگره، کاخ سفید و دفاتر قوه مجریه تجمع می‌کردند. همچنین در آن زمان روبه‌روی کاخ سفید هتلی بوده و افرادی که خواهان دیدار با دولتمردان یا افراد صاحب‌نفوذ برای ارائه نظرات خود بودند، در این هتل جمع می‌شدند و دیدارها صورت می‌گرفت. این افراد چون اجازه ورود و دیدار در مراکز دولتی را نداشتند، به هتل روبه‌روی کاخ سفید دعوت می‌شدند و در لابی هتل به دیدار و ارائه نظرات خود می‌پرداختند. از آن زمان لابی نه تنها برای طبقه اول هتل‌ها مصطلح شد بلکه برای رایزنی، تعامل و ارائه نظرها و تأثیرگذاری بر برخی حوزه‌های حکومتی نیز کاربرد یافت.

از یک منظر لابی‌گری یک بخش ضروری از «ساختار داخلی» است که تابع برآیند مهم در ساخت و اجرای سیاست خارجی می‌باشد (Ibrahim, Autumn 1974: 55). پس از جنگ سرد و با تضعیف نقش دولت نسبت به جامعه بر اهمیت نقش لابی‌ها افزوده شد. به سبب اینکه ممکن است منافع این گروه‌ها جایگزین منافع ملی کشور شود، عده‌ای با عینک بدبینی به کارکرد آنها می‌نگرند (Smith, 2000: 94). این امر برای جلوگیری از دیکتاتوری دولت بر مردم، روند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی آمریکا به شکل بسیار پیچیده‌ای طرح‌ریزی شده است (موسوی و کدخدایی، تابستان ۱۳۹۰: ۱۰).

از وظایف لابی‌گر این است که بدانند قدرت سیاسی در دست چه کسی، چه گروهی و یا چه حزبی است. امروزه با وجود تکثر قدرت، دیگر مراکز قدرت

انگشت شمار نیستند، لذا لابی‌گران مجبورند تا با تمام قانون‌گذاران یا رهبران دو حزب لابی کنند و حوزه کار خود را تنها به چند رهبر یا شخص بانفوذ محدود نسازند.

هدف لابی‌ها تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و اقدامات حکومت است. تفاوت آنها با احزاب سیاسی در این است که می‌کوشند از بیرون حکومت بر آن تأثیر بگذارند، نه اینکه قدرت را به دست آورند (هیوود، ۱۳۸۹: ۳۸۷) و یا اعضای خود را در مقامات رسمی حکومت قرار دهند (Zeigler & Peak, 1972: 30). آنها ضمن خارج ماندن از قدرت، بر آن تأثیر می‌گذارند و به آن فشار می‌آورند تا به آنچه می‌خواهند، دست یابند (دورژه، ۱۳۸۹: ۱۰۰-۹۵). از طرفی لابی‌ها گروه‌های فعال سیاسی هستند که از منافع خاصی دفاع می‌کنند. هراندازه نظام‌های سیاسی متکثرتر باشند، به همان نسبت بر تعداد نقش این گروه‌ها افزوده می‌شود (قوام، ۱۳۸۷: ۲۲۹). مثلاً در نظام‌های سوسیالیستی که بخش خصوصی فعال نیست، گروه‌های ذی‌نفوذ، قدرت و اهمیت چندانی ندارند.

۲. نقش لابی‌های و گروه‌های نفوذ در سیاست امریکا

مرکز اصلی لابی‌گری در امریکا، ضلع شمال غرب خیابان K در پایتخت این کشور است که دفتر اتحادیه‌ها، صنوف، شرکت‌ها، دولت‌ها و گروه‌های خاص در آن قرار دارد (Zak, 5.Feb.2012).

لابی و لابی‌گری در سیاست داخلی و خارجی امریکا امری مشروع است. با تضمین «حق درخواست از حکومت»، لابی کردن عملاً در متمم اول قانون اساسی ایالات متحده پذیرفته شده است (رضوی طوسی، ۱۳۸۹: ۳۷). اگرچه «لابی کردن» به خودی خود، اصطلاحی منفی نیست اما تأثیر بیش از اندازه برخی لابی‌ها بر سیاست‌های امریکا مشکلاتی در جامعه ایجاد کرده که دیدگاه شهروندان به کارکرد آنها چندان مثبت نیست. حتی برخی چالش‌های درونی سبب افول نسبی قدرت امریکا می‌شود (نای، ۱۳۹۴: ۷۲) که نفوذ روزافزون لابی‌ها یکی از این عوامل است. به تناسب ساختار، جمعیت، توان مالی، ثبات ساختاری و بهره‌مندی از رسانه‌ها، اقلیت‌های نژادی درجاتی از لابی‌گری را در سیاست امریکا ایفا می‌کنند.

تاکنون هیچ‌یک از گروه‌های یادشده به اندازه یهودیان و ایرلندی‌ها تأثیرگذار نبوده‌اند. علت چنین امری بیشتر در تفرقه درونی دیگر نژادها یا بی‌توجهی آنها به ابزارهای قدرت سیاسی ایالات متحده است (Paul & Paul, 2009: 135-170). هرگروه نژادی برای آنکه بتواند سیاست خارجی آمریکا را طبق علاقه خود تغییر دهد، باید اضلاع مثلث نامریی اما قدرتمند «محافل ثروت، نهادهای دولتی و رسانه‌ها» را تکمیل کند. آنان تا زمانی که در جامعه ثروتمندان امریکایی برای خود حامیان قدرتمندی پیدا نکنند و رسانه‌های بانفوذی را با خود همراه ن سازند، نمی‌توانند بر کاخ سفید و کنگره اعمال نفوذ نمایند (ابوالفتح و قلی‌پور، ۱۳۸۲: ۳۲۴-۳۲۲).

آنچه عنوان شد نافی نفوذ لابی اعراب نیست و لابی‌های کشورهای مثل عربستان در سال‌های اخیر، نقش پررنگی در امریکا داشته‌اند. به‌رغم اینکه اکثر تروریست‌های ۱۱ سپتامبر (۱۵ نفر از ۱۹ نفر) تبعه عربستان بودند، اما این لابی همچنان منفذ و نشان‌دهنده دوجانبه بودن لابی‌گری است و منافع هر دو طرف ایجاب می‌کند که برقرار باشد.

جدول ۱: جمعیت کل و جمعیت عرب امریکا با تأکید براساس گروه‌های قومی

گروه قومی	کل جمعیت		کل خانوار		میانگین تعداد اعضای خانوار
	تعداد	درصد خطا (±)	تعداد	درصد خطا (±)	تعداد
کل	۳۰۳,۹۶۵,۲۷۲	(x)	۱۱۴,۲۳۵,۹۹۶	۲۴۸,۱۱۴	۲,۵۹
اعراب ^۲	۱,۵۱۷,۶۶۴	۱۷,۳۹۷	۵۱۱,۱۰۲	۵,۰۳۵	۲,۹۳
لبنانی	۴۸۵,۹۱۷	۶,۳۷۵	۱۸۱,۱۲۷	۲,۴۳۷	۲,۶۶
مصری	۱۷۹,۸۵۳	۴,۹۹۹	۶۰,۱۳۷	۱,۷۳۱	۲,۹۵
سوری	۱۴۷,۴۲۶	۳,۹۵۰	۵۶,۰۴۰	۱,۴۳۲	۲,۶۷
فلسطینی	۸۳,۲۴۱	۴,۰۳۵	۲۵,۶۷۹	۱,۱۶۳	۳,۵۰
مراکشی	۷۴,۹۰۸	۳,۱۸۳	۲۳,۳۶۵	۱,۱۷۰	۲,۷۵
عراقی	۷۳,۸۹۶	۴,۱۶۲	۲۲,۹۷۹	۱,۱۸۹	۳,۲۷
اردنی	۶۰,۰۵۶	۳,۷۹۷	۱۸,۱۳۴	۱,۰۸۸	۳,۴۲
یمانی	۲۹,۳۵۸	۲,۶۱۸	۶,۸۱۲	۵۵۰	۳,۳۴

منبع: (Asi & Beaulieu, May 2013: 2)

داده‌ها مبتنی بر یک نمونه هستند و براساس متغیرهای نمونه موضوع‌بندی شده‌اند. خطاهای موجود ناشی از اندازه تخمینی متغیرهاست. تخمین کل اعراب شامل

گروه‌های قومی منتخب است و سایر گروه‌ها نشان داده نشده است.

۳. جایگاه اعراب در ساخت سیاسی - اجتماعی امریکا

واژه «عرب-امریکایی» به امریکایی‌هایی گفته می‌شود که اصل و نسب آنها به یکی از کشورهای عربی غرب آسیا بازمی‌گردد. در دهه ۱۸۸۰، آنها خود را شامی می‌نامیدند که سرزمین‌های امروزی سوریه، لبنان، فلسطین، اردن و عراق را دربرمی‌گرفت. همچنین آنها به لبنانی‌های سوری، عرب‌ها و ترک‌ها نیز معروف بودند و بعد از ۱۹۶۷، بیشتر به اعراب امریکایی معروف شدند (احمدی‌لفورکی، ۱۳۸۷: ۲۲۴).

ایالات متحده که متشکل از مهاجرین است، همیشه قومیت‌هایی داشته که با موطن و سایر هم‌نژادهای خود در سراسر جهان ارتباط عاطفی و سیاسی ویژه داشته‌اند (Ambrosio, 2002: 2). اگرچه آمارهای مختلفی از مهاجرت اعراب به امریکا وجود دارد، اما همگی آنها اتفاق نظر دارند که طی دهه ۱۹۹۰-۱۹۸۰، این تعداد روند افزایشی چشم‌گیری داشته است (Khalaf, 1987: 2-18).

اعراب امریکایی را باید جامعه‌ای متنوع نامید. در این جامعه بین مهاجران نخستین و اعرابی که پس از جنگ جهانی دوم و به‌خصوص پس از ۱۹۶۷ به این کشور مهاجرت کردند، تفاوت‌های عمده‌ای وجود دارد (Suleiman, 1984: 29-35). همچنین اعراب امریکایی در اصالت، مذهب، وضعیت اجتماعی-اقتصادی، مشارکت با امریکایی‌های غیرعرب و وضعیت قومی از یکدیگر متمایز می‌شوند. با این وجود می‌توان به وجوه اشتراک بارزی در این جامعه چون زبان عربی، فرهنگ عربی و افتخار به میراث اسلامی و یا عربی اشاره کرد.

داده‌های آماری جامعه امریکا^۱ نشان می‌دهد که جمعیت عرب آن چندان زیاد نیست، اما طی سال‌های اخیر در حال افزایش است و بر مبنای سرشماری گروه‌های قومی از کشورهای مختلف عربی در فاصله سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۶، با نرخ رشد ۰/۵ درصد (۱/۲ میلیون نفر) نسبت به سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۰، با نرخ ۰/۳۵ درصد (۱/۵ میلیون نفر)، این روند قابل مشاهده است (جدول ۱).

1. American Community Survey (ACS)

اگرچه اعراب در تمام ایالت‌های آمریکا ساکن هستند اما بخش عمده‌ای از آنها (در حدود ۶۰ درصد)، در ده ایالت این کشور متمرکز شده‌اند و در بین این ده ایالت، سه ایالت کالیفرنیا، میشیگان و نیویورک، یک‌سوم اعراب امریکایی را در خود جای داده‌اند (De La Cruz & Brittingham, Dec.2003). اعراب در کل جامعه‌ای را در آمریکا تشکیل داده‌اند که بنا به دلایل متعدد، در سطح سیاسی و سیاست‌گذاری نتوانسته‌اند به آنچه که انتظار داشته‌اند، دست یابند. از جمله این دلایل نبود وحدت بین اعراب با اصالت‌های متفاوت است. از سوی دیگر، اتحاد موجود بین اعراب با اصلیت‌های یکسان نیز ضعیف و شکننده است و تأکید اعضا بیشتر بر روی خانواده و قبیله است تا یک هویت کلی عربی. از دیگر دلایل عدم مشارکت سیاسی اعراب یا تأثیرگذاری آنها در این زمینه می‌توان به گرایش‌های فردی اعراب به دوری از سیاست اشاره کرد که ریشه‌ای تاریخی دارد و اعراب از بدو ورود به آمریکا با این تصور که اقامت آنها در آمریکا موقتی خواهد بود و آنها سرانجام به خانه بازخواهندگشت، از مشارکت و فعالیت سیاسی دوری جسته‌اند (احمدی‌لفورکی، ۱۳۸۷: ۲۲۶).

اما مهم‌ترین مسئله‌ای که توجه جامعه اعراب امریکایی را به خود جلب کرد، مسئله فلسطین و حذف تدریجی آنها بود. صهیونیست‌ها با پایان جنگ موفق شده بودند تا حمایت انگلیس را برای اجرای بیانیه بالفور^۱ در سال ۱۹۱۷ به دست آورد و اجرای آن را در دستورکار خود قرار دهد. از این زمان به بعد، آینده فلسطین به نگرانی اصلی آنها تبدیل شد و زمینه‌ساز تشکیل سازمان‌ها، گروه‌ها و جنبش‌های متعدد حامی فلسطین در آمریکا گردید.

۴. شیوه‌های لابی‌گری و اهداف اعراب در آمریکا

به افراد و گروه‌هایی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم سعی در تأثیرگذاری بر سیاستمداران و سیاست‌گذاران امریکایی در قبال اعراب را دارند، لابی عربی گویند. این لابی‌ها و لابی‌گرها الزاماً عرب نیستند، بلکه در قبال تأمین منافع خود سعی در حمایت از ایدئولوژی عربی دارند. لابی اعراب در آمریکا قدمتی به اندازه

لابی طرفدار اسرائیل دارد و حتی شاید از آن هم قدیمی‌تر باشد (Bard, 2010: 181). در اوایل دهه ۱۹۹۰، به خاطر درگیری‌های بین اعراب و اسرائیل و به دنبال آن تحریم نفتی در سال ۱۹۹۳، احساساتی ضدعربی در امریکا رو به رشد گذاشت و این مسئله در دولت ایالات متحده و برخی متحدانش مورد بررسی قرار گرفت؛ در نتیجه دستورات اجرایی و مفادی قانونی برای مبارزه با تروریسم صادر شد که همین مسئله فعالیت‌ها در زمینه حقوق امریکایی‌های عرب‌تبار را تحت‌تأثیر قرارداد و باعث ایجاد گروه‌هایی مثل انجمن تحصیل‌کردگان عرب دانشگاه‌های امریکا،^۱ کمیته ضد تبعیض اعراب امریکایی^۲ و دیگر موسسات عرب امریکایی شد.

لابی اعراب در امریکا هم در سیاست داخلی و هم در سیاست خارجی نقش‌آفرینی می‌کند. این لابی‌ها از طریق برنامه‌های سیاسی یا اقتصادی هم‌چون صادرات نفت خام و خرید و فروش سلاح بر سیاست خارجی ایالات متحده اثر می‌گذارند (Marrar, 2009: 22). آنها در ابتدا تلاش می‌کردند سیاست‌های تقنینی و اجرایی امریکا را متوجه منازعه طولانی مدت اسرائیل و فلسطین نمایند (Cooper, 30March 2007)، تا از این طریق اهداف خود را عملیاتی کنند. به سبب اینکه فعالیت این لابی‌ها اغلب پنهان و غیررسمی است، میزان پایایی سیاست‌های آنها را دشوار می‌نماید (Marrar, 2009: 23).

نخستین تلاش برای تشکیل لابی عربی در امریکا در دهه ۱۹۵۰ و به درخواست ملک سعود بن عبدالعزیز، پادشاه وقت عربستان برای مقابله با لابی اسرائیلی در مناقشه بر سر فلسطین صورت گرفت. بعدها «نفت» به محرک اصلی تأثیرگذاری اعراب در امریکا تبدیل شد. اگرچه در جریان جنگ اعراب و اسرائیل در ۱۹۷۳ و افزایش ۴ برابری قیمت نفت، اعراب تحت فشار امریکا قرار گرفتند، اما با مقاومت شرکت‌های نفتی و انتشار مقالات متعدد در نشریات عربی، تحرکات تازه‌ای در کنگره شکل گرفت که برای نخستین بار اعراب احساس کردند که قدرت تأثیرگذاری در سیاست‌گذاری امریکا را دارند (طباره، ۲۵ مهر ۱۳۸۹).

1. Association of Arab-American University Graduates (AAUG)
2. American Arab Anti-Discrimination Committee(ADC)

دو مؤسسه بیشترین سهم لابی‌گری اعراب را در ایالات متحده داشته‌اند: (۱) انجمن ملی اعراب امریکایی^۱ که توسط ریچارد شادیاک^۲ برای لابی‌گری در کنگره آمریکا تأسیس شد و درباره مسائل مهمی که مربوط به اعراب امریکایی یا غرب آسیا است، به کاخ سفید و کنگره گزارش می‌دهد؛ (۲) مؤسسه اعراب امریکایی^۳ که در سال ۱۹۸۵، با پیگیری‌های جیمز زاگی^۴ شکل گرفت.

مؤسسه مذکور مخاطبان را دعوت می‌کرد که فعالانه در عرصه سیاسی ایالتی و فدرال شرکت داشته باشند و خود را نامزد مناصب پارلمانی کنند. زاگی و سایر اعراب امریکایی مورد تشویق نسل جوان اعراب امریکایی متولد این کشور قرار گرفته‌اند و از لهجه خود احساس حقارت نمی‌کنند و در امور سیاسی کشور فعال‌اند. مشارکت فعال اعراب در نظام انتخاباتی آمریکا یکی از اهداف این سازمان است. برنامه‌های آموزشی و حمایت از فعالیت‌های مدنی اعراب از دیگر برنامه‌های این مؤسسه است (Booshda, 2003: 262). در سال ۱۹۹۳، زاگی در کنفرانسی باشرکت هشت نفر از نه نفر نامزد دموکرات ریاست جمهوری، تأکید کرد که «مسئله ما، مسئله شماس است» (Clemetson, 19.Oct.2003).

گروه امریکایی ویژه فلسطین^۵ نیز سازمانی بود که با پیام‌های سیاسی و اقتصادی صهیونیست‌ها مخالفت می‌کردند. جنگ ۱۹۶۷ و شکست اعراب از اسرائیل، نقطه عطفی برای جامعه اعراب امریکایی بود. در آن زمان کلیه رسانه‌ها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی امریکایی، در حمایت از اسرائیل و ضداعراب فعالیت می‌کردند. این فقط برخی از اساتید و روشنفکران عرب امریکایی را برانگیخت تا انجمن تحصیل کردگان عرب امریکایی را تأسیس نمایند. در حالی که هدف آغازین تأسیس این انجمن مسائل آموزشی عنوان شده بود، اما خیلی زود و با جلب توجه شمار زیادی از دانش‌آموختگان عرب امریکایی، تمام توجه خود

-
1. National Association of Arab Americans (NAAA)
 2. Richard Shadyac
 3. Arab – American Institute (AAI)
 4. James Zogby
 5. American Taskforce on Palestine (ATFP)



را معطوف به مسائل اعراب با امریکا و درک بهتر جهان عرب در امریکا نمود و مسئله فلسطین را در کانون توجه خود قرارداد (Terry, 1999). این انجمن نقش مهمی در بسیج اعراب امریکایی و تشویق آنان برای مشارکت سیاسی هرچه بیشتر ایفا نمود.

کمیته ضد تبعیض اعراب امریکا^۱ که سناتور سابق دموکرات از داکوتای شمالی، جیمز ابوزرک^۲ در سال ۱۹۸۰ تأسیس کرد، تحت رهبری فعال و کاریزماتیک خود به سرعت به مهم‌ترین گروه مدافع منافع اعراب امریکایی تبدیل شد. از اهداف این مؤسسه، «قدرت‌یابی سیاسی» امریکایی‌های عرب‌تبار برای مقابله با لابی اسرائیل بود (Bard, 10 Jan. 2006). احیای حقوق مدنی اعراب در امریکا و مقابله با عرب‌ستیزی، مهم‌ترین فلسفه تشکیل این نهاد است.

شبکه اقدام عرب امریکایی^۳ نیز مأموریت خود را تلاش برای تقویت جامعه عرب در منطقه شیکاگو به‌عنوان عاملی فعال برای تغییر اجتماعی مثبت تعریف کرده است. استراتژی این سازمان غیرانتفاعی و مردمی شامل سازماندهی جامعه، حمایت، آموزش و پرورش، ارائه خدمات اجتماعی، توسعه رهبری، توسعه فرهنگی و برقراری روابط سازنده با جوامع دیگر است.

شورای سیاست‌گذاری غرب آسیا (که قبلاً شورای امور اعراب امریکایی^۴ خوانده می‌شد)، در سال ۱۹۸۱ تأسیس شد و مجله علمی سیاست غرب آسیا را منتشر کرد. هدف از انتشار این مجله، تأثیرگذاری بر سیاست غرب آسیای امریکا بود. مؤسسه دیگری با نام مؤسسه تحقیقات غرب آسیای^۵ فعالیت‌های خود را از سال ۲۰۰۲ آشکارا آغاز کرد و از طرف افرادی حمایت می‌شود که در جهت‌گیری سیاست خارجی امریکا بسیار متعصب هستند (تری، ۱۳۸۸: ۷۵). مایکل شوئر،^۶

1. Anti Discremental Committee ADC
2. James Abourezk
3. Arab American Action Network (AAAN)
4. American Arab Affairs Council
5. Institute for Research: Middle Eastern Policy (IRMEP)
6. Michael Scheuer

تحلیلگر ارشد سابق سیا در زمینه لابی اعراب عنوان داشته است: «آنها [میرشایمر و والت] باید به خاطر شجاعت شان مورد تحسین قرارگیرند که چنین اثری راجع به چنین موضوعی به رشته تحریر درآوردند. امیدوارم آنها در مورد لابی سعودی هم کارهایی درخور انجام دهند؛ چراکه این لابی برای ایالات متحده خطرناک‌تر از لابی اسرائیل است» (Deborah, 21 April 2006).

۵. نقش سفارتخانه‌های عربی در لابی‌گری

سفارتخانه دولت‌های عربی، مهم‌ترین بازوی لابی‌گری در امریکا هستند. تلاش اعراب در اواخر دهه ۱۹۹۰، در به کارگیری لابی‌ها، چندان منسجم و هماهنگ نبود. در این میان شرکت‌های فعال در حوزه نفت سعی می‌کنند با انتشار نشریاتی، وضعیت جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی کشورهای عربی را انعکاس دهند (Booshada, 2003: 263). در ماه می ۱۹۳۳، شرکت نفت استاندارد عربی کالیفرنیا^۱ که بعدها آرامکو^۲ خوانده شد، به اکتشاف نفت در سطح وسیعی از سرزمین عربستان پرداخت (Alnabrab, 2008). از سال ۱۹۳۶، کنسرسیوم نفتی در دشت‌های شبه‌جزیره ایجاد شد. این پیشینه کوتاه نشان‌گر اصل «تأمین انرژی از طرف اعراب در خلیج فارس و تضمین امنیت سرزمینی و انرژی اعراب از سوی امریکا»، روابط اعراب و امریکا را از نیمه دوم دهه ۱۹۷۰، شکل داده است. یکی از نقاط عطف فعالیت لابی عربی، در جریان جنگ اعراب و اسرائیل در اکتبر ۱۹۷۳ است که آرامکو نامه‌ای تهدیدآمیز مبنی بر قطع حمایت از اسرائیل به مقامات امریکایی ارسال کرد؛ پس از این جریان، قیمت نفت از ۲/۶ دلار در هر بشکه به حدود ۱۲ دلار رسید (Bard, Fall. 2010: 13).

ذهنیت بنیانگذاران عربستان سعودی این بود که ائتلاف با قدرت‌های بزرگ، مزیت ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک برای آنها خواهد داشت. بازدید ملک فهد از واشینگتن در ۱۹۷۴ و امضای چند قرارداد مهم و تشکیل کمیسیون اقتصادی مشترک دو کشور، سرآغاز ارتباط نزدیک خانواده سلطنتی با رئیس‌جمهور و

مقامات رسمی امریکا شد (تری، ۱۳۸۸: ۷۵). در دهه‌های اخیر، سفیر هیچ کشوری همانند عربستان به مقامات امریکا دسترسی نداشته است. هیچ سفیری هم به اندازه بندربن سلطان در سیاست‌گذاری امریکا دخالت نداشته است (Ottaway, 2008). او در دوره جورج بوش، به‌عنوان «عضو سایه» در کابینه تلقی می‌شد. در واقع سیاست خارجی امریکا در قبال ایران و اعراب شیعی، تحت تأثیر مشورت‌های وی و رهبران کشورهایی مثل اردن و مصر سازماندهی می‌شد (Hersh, 5.March.2007). بدون شک انتخاب عادل الجبیر به‌عنوان وزیر خارجه عربستان در سال ۲۰۱۵ و در حالی که فردی خارج از حلقه خاندان سعودی است، به دلیل نزدیکی وی به مقامات امریکایی در زمان مسئولیت سفارت خود در واشینگتن است؛ هرچند برخی معتقدند نفوذ روزافزون عربستان در این فرایند، به ضرر امنیت ملی امریکا است (Askari, 18March2011). مصری‌ها نیز در دهه ۱۹۹۰، با تشکیل آژانس‌های مشترک، سعی در تعمیق روابط با امریکا داشتند (تری، ۱۳۸۸: ۷۵).

سفارت عربستان سعودی به منظور بهبود تصویر خود پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، بین مارس و سپتامبر ۲۰۰۲، مبلغ ۱۴/۷ میلیون دلار به شرکت کُوروس^۱ پرداخت کرده است (Gerstein, 20.Dec.2004). اگرچه ادعا شد این مبلغ صرف هزینه‌های عمومی و سیاست‌گذاری شده است. عربستان تلاش می‌کند تا از طریق کُوروس گروه‌هایی را برای لغو جاستا^۲ استخدام کند؛^(۱) به همین جهت با راه‌انداختن تورهایی برای کهنه سربازان امریکا در واشینگتن و با اسکان ایشان در هتل بین‌المللی ترامپ، در صدد است کنگره را متقاعد کند که تصویب چنین قانونی خطرانی را متوجه سربازان امریکایی در خارج از مرزهای این کشور می‌کند (Campanlle, 10.Feb.2017). شرکت‌های هولت^۳ و فلاوی ویل^۴ نیز در این لابی‌گری با کوروس همکاری می‌کردند (Wilson, 2.Nov.2016).

-
1. Qorvis Communications, LLC
 2. Justice Against Sponsors of Terrorism Act (JASTA)
 3. Hohlt
 4. Flywheel

سفارت مذکور مدیریت حساب توئیتری «ائتلاف سوری»^۱ را به‌عنوان صدای اصلی مخالفان دولت بشاراسد، به این شرکت واگذار کرده است (Fang, 18.Sep.2014).

در سال‌های اخیر، حکومت بحرین نیز از طریق سفارت خود، در هر ماه ۴۰ هزار دلار به این شرکت پرداخت کرده تا از این طریق علاوه‌بر مدیریت راهبرد ارتباطاتی این کشور، چهره موجهی از این رژیم درخصوص اعتراض‌های مدنی داخلی در افکار عمومی آمریکا بگذارد (Baker, 29.Nov.2011). عملکرد این شرکت در جریان بهار عربی و بازنمایی دروغین چهره حکومت‌های پادشاهی عرب، سبب ترک تعداد زیادی از کارمندان شرکت مذکور شده است.

۶. نقش صنایع و شرکت‌های تجاری و اتاق‌های فکر در لابی‌گری اعراب

تأثیر شرکت‌های تجاری عربی به ویژه شرکت‌های نفتی بر سیاست‌های آمریکا بیشتر در چهارچوب روابط شخصی و به دور از مجاری رسمی صورت می‌گیرد. بسیج افکار عمومی و استفاده از رسانه‌ها چندان در دستورکار این شرکت‌ها قرار ندارد. تلاش برای حل مسئله اسرائیل و فلسطین در این چهارچوب قابل تبیین است.

امریکا معتقد است در صورت عدم حمایت واشینگتن از پادشاهی‌های عربی در تحولات غرب آسیا، این حکومت‌ها با چالش‌های جدی مواجه خواهند شد، اما نفت عاملی است که سبب می‌شود سیاست‌مداران آمریکا، چشم خود را بر بسیاری از روندهای جاری در این کشورها مانند نقض حقوق بشر ببندند. جریان آزاد و مستمر نفت با حداقل قیمت ممکن به نفع سیاست خارجی و داخلی آمریکا است (Fuller, Winter/Spring 1999).

پاٲن باگز^۲ بزرگ‌ترین شرکت لابی‌گری در واشینگتن است که در سال ۲۰۱۳، درآمد بالایی داشته است. توماس هیل^۳ مدت زیادی مدیریت آن را برعهده

1. @SyrCoalition

2. Patton Boggs, LLP

3. Thomas Hale Boggs, Jr

داشت و در حال حاضر توسط سناتورهای سابق جان بروکس^۱ و ترند لوت^۲ اداره می‌شود. از سال ۲۰۱۰، عملکرد این دو سبب افزایش ۱۲ میلیون دلاری درآمد شرکت شده است (Ho, 14.Sep.2014). از اعضای برجسته آن، سلمان الانصاری، وکیل دادگستری و فوتبالیست پیشین تیم ملی فوتبال قطر است که سعی دارد از طریق شرکت الانصاری و همکاران، حوزه‌های مرتبط با حقوق در این کشور را ساماندهی کند.

تأثیرگذارترین اتاق‌های فکر در واشینگتن، مؤسسه بروکینگز^۳ مرکز مطالعات بین‌المللی و راهبردی^۴ و شورای آتلانتیک^۵ است. بیشتر هزینه‌های لابی‌گری در آمریکا از طرف کشورهای اروپایی و غرب آسیا، به خصوص کشورهای تولیدکننده نفت مانند امارات متحده عربی، قطر، عربستان و نروژ تأمین می‌شود. امارات بزرگ‌ترین حامی مالی مرکز مطالعات بین‌المللی و راهبردی در یک دهه اخیر، با اهدای بیش از یک میلیون دلار برای ساخت مرکز گلیمینگ^۶ در نزدیکی کاخ سفید است. این مرکز همواره از اقدام نظامی علیه ایران دفاع کرده است.

قطر نیز با تخصیص ۱۴/۸ میلیون دلار به ساخت صندوقی وابسته به بروکینگز در قطر کمک می‌کند و در حال اجرای پروژه‌ای مرتبط با جهان اسلام در ایالات متحده است. در متن قرارداد مرکز بروکینگز در دوحه و دولت قطر که در سال ۲۰۰۹ بازگشایی شد، آمده که این مرکز بایستی تصویر روشنی از قطر در رسانه‌های بین‌المللی به خصوص آمریکا بازنمایی کند (Lipton et al, 6.Sep.2014). شورای سیاسی غرب آسیا^۷ نیز در سال ۲۰۰۷، با دریافت یک میلیون دلار از عربستان سعودی، برای این کشور لابی‌گری کرده است (Lake, 27.Feb.2007).

1. John Breaux
2. Trent Lott
3. Brookings Institution
4. Center for Strategic and International Studies (CSIS)
5. Atlantic Council
6. Center's Gleaming
7. Middle East Policy Council



۷. هزینه‌های مالی لابی‌های عربی

فعالان عرب امریکا از مشکلات مربوط به بسیج اجتماعی، مشکلات سازمانی و فقدان وحدت گلايه می‌کنند، اما مشکلات مالی یکی از بزرگ‌ترین موانع در به ثمر رساندن تلاش‌های لابی آنان است. اگرچه در حال حاضر درآمد اعراب امریکا از سطح متوسط درآمدها بالاتر است (جدول ۲)، اما مقدار کمی کمک به لابی‌ها ارائه می‌کنند. اغلب سازمان‌های عرب امریکایی از طرف مردم خود کمک مالی نمی‌شوند و تقریباً مخارج خود را روزانه تهیه می‌کنند. ناکامی در جلب کمک‌های مردمی برای گسترش تلاش‌های سیاسی، به این معنا خواهد بود که فعالان عرب امریکا وقت زیادی را به جای اینکه صرف فعالیت سیاسی کنند، صرف جمع‌آوری اعانات و کمک‌های مالی می‌نمایند.

جدول ۲: مشخصات خانوارهای عرب براساس گروه‌های قومی

گروه تباری	کل خانوار (درصد)	نوع خانوار									
		خانوارهای اساس واحدی که مالکین مسکن بر سکونت می‌کنند.		خانوارهای وابسته				کل			
		میزان	درصد	میزان	درصد	میزان	درصد	میزان	درصد		
کل	۱۰۰۰	۶۶٫۸	۰٫۱	۴۹٫۶	۰٫۲	۱۷٫۲	-	۳۳٫۲	۰٫۱	۶۶٫۶	۰٫۲
اعراب	۱۰۰۰	۶۸٫۹	۰٫۶	۵۵٫۷	۰٫۶	۱۳٫۲	۰٫۴	۳۱٫۱	۰٫۶	۵۹٫۶	۰٫۵
لبنانی	۱۰۰۰	۶۶٫۰	۰٫۸	۵۳٫۲	۱٫۰	۱۲٫۹	۰٫۵	۳۴٫۰	۷۱٫۶	۷۱٫۶	۰٫۸
مصری	۱۰۰۰	۷۱٫۷	۱٫۳	۶۱٫۸	۱٫۴	۹٫۹	۰٫۸	۲۸٫۳	۵۶٫۵	۵۶٫۵	۱٫۳
سوری	۱۰۰۰	۶۷٫۵	۱٫۵	۵۵٫۸	۱٫۵	۱۱٫۷	۱٫۱	۳۲٫۵	۶۹٫۲	۶۹٫۲	۱٫۳
فلسطینی	۱۰۰۰	۷۶٫۸	۲٫۰	۶۳٫۷	۲٫۰	۱۳٫۱	۱٫۵	۲۳٫۲	۵۹٫۶	۵۹٫۶	۲٫۵
مراکشی	۱۰۰۰	۶۵٫۸	۲٫۱	۴۹٫۹	۲٫۴	۱۵٫۸	۱٫۹	۳۴٫۲	۳۶٫۹	۳۶٫۹	۲٫۲
عراقی	۱۰۰۰	۷۱٫۵	۲٫۱	۵۵٫۱	۲٫۵	۱۶٫۴	۱٫۹	۲۸٫۵	۴۵٫۳	۴۵٫۳	۲٫۴
اردنی	۱۰۰۰	۷۷٫۲	۲٫۹	۶۳٫۱	۲٫۸	۱۴٫۱	۲٫۱	۲۲٫۸	۵۰٫۵	۵۰٫۵	۳٫۲
یمانی	۱۰۰۰	۷۹٫۸	۳٫۴	۶۱٫۷	۳٫۵	۱۸٫۱	۳٫۰	۲۰٫۲	۳۶٫۷	۳۶٫۷	۴٫۳

منبع: (Asi & Beaulieu, May 2013: 4)

مقایسه میان لابی‌های عرب با لابی طرفدار اسرائیل، نشان می‌دهد که در سال ۱۹۸۴، اعراب موفق به جذب ۱۷,۳۵۰ دلار شده، در حالی که لابی‌های اسرائیلی توانستند ۳,۷۷۲,۹۹۴ دلار جذب کنند؛ یعنی این نسبت، ۱۴۷ به ۱ بود. در سال ۱۹۹۶، ارقام فقط به شکل حاشیه‌ای پیشرفت داشت و از ۲۰,۶۲۵ دلار به

۲,۷۳۸,۶۴۷ دلار ارتقا یافت؛ یعنی به نسبت ۱۳۳ به ۱ رسید (تری، ۱۳۸۸: ۹۶). در دهه گذشته طیف گسترده‌تری از اعراب امریکا به صحنه سیاسی وارد شده و دسترسی بیشتری به کاخ سفید و تشکیلات دولتی داشته‌اند، اما این موضوع هنوز به ابزار جدی‌تری برای تغییر سیاست خارجی امریکا تبدیل نشده است (Terry, 2002). البته همان‌گونه که آنها بیشتر وارد صحنه سیاسی امریکا شده‌اند، به واسطه قوانین و رخدادهای پس از ۱۱ سپتامبر، با قیدها و محدودیت‌های بیشتری هم مواجه شده‌اند.

جدول ۳: هزینه‌های لابی‌گری اعراب در برخی شرکتها و مؤسسات امریکایی

نام شرکت	هزینه لابی‌گری (دلار)	نام شرکت	هزینه لابی‌گری (دلار)
Akin Gump Strauss Hauer & Feld LLP	۲۲۰.۷۷۰	Loeffler Tuggey Pauerstein Rosenthal, LLP	۲.۳۵۰.۴۵۷
Boland & Madigan, Inc.	۴۲۰.۰۰۰	Gallagher Group, LLC	۶۱۲.۳۳۷
Burson-Marsteller	۳.۶۱۹.۲۸۶	Iler Interests, LP	۳۸۸.۲۳۱
Cambridge Associates, Ltd.	۸.۵۰۵	Loeffler, Jonas & Tuggey, LLP	۱.۲۶۰.۰۰۰
Cassidy & Associates, Inc.	۷۲۰.۰۰۰	Fleishman-Hillard	۶.۴۰۰.۰۰۰
DNX Partners, LLC	۲۲۵.۰۰۰	MPD Consultants, LLP	۱.۴۴۷.۲۶۷
Dutton & Dutton, PC	۳.۶۹۴.۴۵۰	Powell Tate, Inc.	۹۰۰.۷۳۲

منبع: (Bard, 2010)

براساس تحقیقات بارد (2010)، عربستان سعودی در حدود ۱۰۰ میلیون دلار به لابی‌گراها، مشاوران و روابط عمومی‌های خاص پرداخت کرده است. به طور مثال، شرکت هیل و نولتون از ۱۹۸۲ تا اواخر ۲۰۰۹، برای عربستان سعودی لابی‌گری کرده است. شرکت ارتباطاتی کُوروس، ۶۰/۳ میلیون دلار از سعودی دریافت کرده است و هم‌اکنون هم در ریاض به کار مشغول است. گروه لوفلر^۱ و سندلر اینوسنزی^۲ و پاتن باگز در یک دهه منتهی به سال ۲۰۱۰، به ترتیب ۱۰/۵، ۸/۹ و ۳ میلیون دلار از عربستان دریافت کرده‌اند (Goldberg, 8.Dec.2010).

1. Loeffler Group, LLP
2. Sandler Innocenzi, Inc.

شرکت مشاوره هوگان لَوُلز^۱ زمینه ملاقات سفارت عربستان با اد رویس^۲، رئیس کمیته روابط خارجی سنای امریکا را فراهم آورده که در این دیدار مسائل مربوط به صلح غرب آسیا و نگرانی از نقش ایران در سوریه مطرح شده است. این مؤسسه و سفارت مذکور چندین سال در ارتباط هستند که براساس تفاهم‌نامه‌های منعقد شده در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴، به ترتیب مبلغ ۵۰ هزار و ۱۸۰ هزار دلار از طرف سفارتخانه سعودی به این شرکت جهت لابی‌گری پرداخت شده است (Fang, 18.Sep.2014).

شکل ۱: مهم‌ترین اتاق‌های فکر امریکایی که از طرف کشورهای عربی حمایت مالی می‌شوند

	مؤسسه بروکینگز (امارات، قطر، عربستان)
	مرکز مطالعات بین‌المللی و راهبردی (امارات، عمان، عربستان)
	شورای آتلانتیک (امارات، بحرین، کویت، قطر، عربستان)
	مؤسسه خاورمیانه (امارات، بحرین، کویت، لبنان، عمان، قطر، عربستان)
	مرکز استیمسون (امارات)
	مؤسسه منابع جهانی (امارات)

منبع: (Williams, et al, 7.Sep.2014)

۸. عربستان؛ محور اصلی لابی‌گری خصمانه در قبال ایران

صرف‌نظر از اینکه حکومت سعودی در اختیار چه کسی باشد، ایران از منظر حاکمان آن نه تنها مسئله‌ای هویتی که امنیتی نیز می‌باشد. روابط ایران و عربستان در سال‌های اخیر، تحت تأثیر تضاد مذهبی ایدئولوژیک، رقابت بر سر منافع سیاسی و ژئواستراتژیک و تلاش برای کسب برتری منطقه‌ای، ارزیابی شده است (Aarts & Duijne, Fall 2009: 70). این کشور مؤثرترین کشور عربی در رقابت



غرب آسیای با ایران است. هرکجا منطقه نفوذ ایران باشد، ردپای عربستان به وضوح قابل مشاهده است. هم‌پیمانی با امریکا و هم‌پوشانی منافع مشترک این دو کشور، سبب افزایش تصاعدی تأثیرگذاری سعودی‌ها می‌شود. وابستگی به نفت عربستان، هم‌گرایی این کشور با کشورهای غربی و به خصوص امریکا را به دنبال دارد. عربستان برای کاستن از نقش ژئوپلیتیک ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز، خط لوله‌ای از خلیج فارس تا پایانه‌های نفتی در دریای سرخ و مرکز پالایشگاه ینبوع با کمک شرکت‌های امریکایی احداث کرده است (متقی، مرداد ۱۳۹۱: ۳۴). این اندیشه وجود داشت که اتکای بیش از اندازه امریکا به نفت عربستان، برای امنیت ملی امریکا خطرناک است (Ostry, 2003: 52). اما موضوع نفت (برای امریکا) در برابر امنیت (برای اعراب)، می‌تواند این روند را مهم و حیاتی جلوه دهد (Jones, 1998: 4).

تلاش عربستان برای افزایش تولید نفت و جبران کمبود عرضه بعد از تحریم‌های بی‌سابقه علیه ایران و نیز کاهش شدید قیمت آن در سال ۲۰۱۴ (اگرچه فشار به ایران تنها یک دلیل آن است)، نمود بارزی از سیاست خصمانه عربستان علیه ایران است. بدون شک جهان عرب گرفتار نگرانی نامتعارفی از دیپلماسی هسته‌ای و عادی شدن احتمالی روابط ایران و امریکاست.

در این میان تنش و تقابل شیعه و سنی که ماهیتی تاریخی دارد، مهم‌ترین محور اختلاف‌های ایران و عربستان است. با وقوع انقلاب اسلامی، تشیع در فرایند هویت‌یابی خود قرار گرفت. شیعیانی که تا آن زمان در اقلیت بودند و در کشورهای عربی هم ساکن بودند، احساس کردند به واسطه نزدیکی به ایران و همدلی با انقلاب اسلامی می‌توانند نقش‌های بیشتری را در داخل کشور خود ایفا کنند.

نضج و ترویج بنیادگرایی سلفی، تشکیل شورای همکاری خلیج فارس و حمایت صدام در جنگ علیه ایران از مهم‌ترین رویکردهای تقابلی عربستان پس از انقلاب اسلامی بوده است. این مهم با روی کار آمدن شیعیان در عراق پس از صدام، وارد شکل پیچیده‌ای از تقابل ایران با برخی اعراب به رهبری عربستان شد

و تا به امروز هم ادامه دارد. فعال کردن و حمایت‌های مالی از گروه‌های سلفی - تکفیری برای تحدید نفوذ ایران در عراق، سوریه و لبنان، تحریک امریکا برای حمله به سوریه برای برکناری بشار اسد و تهاجم گسترده به یمن به بهانه دخالت ایران در این کشور در مارس ۲۰۱۵، از بارزترین سیاست‌های مقابله‌ای و تازه‌تر عربستان با ایران بوده است.

۹. نقش لابی اعراب در ترویج و استمرار ایران‌هراسی در سیاست خارجی

امریکا

چنانچه عنوان شد، استمرار سیاست خصمانه امریکا نسبت به ایران، دلایل پایداری دارد که مهم‌ترین آن اعمال فشار لابی‌های اسرائیلی برای ممانعت از برقراری مجدد روابط دیپلماتیک میان دو کشور است.

یکی دیگر از جریان‌های تأثیرگذار بر سیاست‌های امریکا در قبال ایران، تحریک برخی کشورهای عربی است. این دسته از کشورها حتی بیش از اسرائیل مایل به تداوم قطع رابطه میان ایران و امریکا هستند. در واقع قدرت یافتن ایران در خاورمیانه که در برابر دیگر کشورهای منطقه به توسعه چشم‌گیری دست یافته، نگرانی آنها را در پی داشته است. در این رابطه، بهبود مناسبات ایران و امریکا می‌تواند به تقویت بیش از پیش مواضع ایران در منطقه کمک کند؛ امری که برای این کشورها قابل تحمل نیست (Rubin, Sep. 2006).

پیش از انقلاب اسلامی، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نگاه خوبی نسبت به اهداف منطقه‌ای ایران نداشتند و بعد از انقلاب، بیم و هراس با توجه به سیاست «صدور انقلاب» رو به فزونی نهاد. به منظور رویارویی با ایران (و عراق) و عدم علاقه‌مندی برای آشکار شدن روابط با بلوک غرب به‌ویژه امریکا، کشورهای ساحلی بر آن شدند تا در قالب یک پیمان جمعی، شش کشور عرب ساحلی خلیج فارس را ذیل شورای همکاری خلیج فارس گرد هم آورند.

ایده «هلال شیعی» هم در خلال گفت‌وگوهای ایران و تروئیکای اروپایی بر سر برنامه هسته‌ای و تشدید جنگ داخلی عراق در اواخر سال ۲۰۰۴، نخستین بار از طرف ملک عبدا... دوم، پادشاه اردن مطرح شد. وی معتقد بود این هلال، توازن

مذهبی میان شیعه و سنی را برهم می‌زند و بر منافع امریکا نیز تأثیر منفی خواهد داشت (Wright & Baker, 2004).

بدیهی است انگیزه اصلی طرح هلال شیعی که از سوی امریکا، بریتانیا، اسرائیل، مصر و عربستان مورد تأیید قرار گرفت، مقابله با قدرت‌یابی ایران با محوریت برتری در جهان تشیع بود و هدف از معرفی آن، یک هلال ژئوپلیتیک (به رهبری جمهوری اسلامی) است که با شروع از ایران، عراق و سوریه را دربرمی‌گیرد و به کمک حزب... و حماس، در فلسطین پایان می‌یابد (مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۷۱).

اگرچه به سختی می‌توان رابطه وحدت‌آفرینی میان کشورهای عربی یافت، اما موضوع ایران یک عامل هم‌گرایی در میان آنهاست. از منظر نخبگان عرب، هسته‌ای و نظامی شدن ایران، سناریوی وحشتناکی برای اعراب است؛ وحشتناک‌تر از آن برخورد نظامی امریکا با ایران است و آنچه دشوارتر از این دو می‌نماید برقراری رابطه ایران با امریکاست. تحولات منطقه‌ای پیرامون عراق پس از صدام، به این نگرانی دامن زد (عبداله‌خانی و کاردان، ۱۳۹۰: ۷۵-۷۴) که با روی کار آمدن دولت یازدهم در ایران و توافق این کشور پس از یک دهه با قدرت‌های جهانی در اواخر ۲۰۱۳ بر سر برنامه هسته‌ای، حساسیت اعراب را بیش از پیش برانگیخت (WREMA, Jan./Feb. 2014: 26). تا جایی که دو کشور عربستان و اسرائیل که هیچ‌گونه رابطه دیپلماتیکی با یکدیگر ندارند، حول مخالفت با ایران و قدرت‌یابی آن در منطقه به نوعی پیمان نانوشته رسیده‌اند. اگرچه «قضیه فلسطین» تاکنون به یک معضل لاینحل باقی مانده بود، اما تردیدی در همسویی اعراب و اسرائیل علیه بهبود روابط ایران و امریکا وجود ندارد.

۱۰. قدرت‌یابی منطقه‌ای ایران: عنصر محرک برای لابی‌های عربی در

گسترش ایران‌هراسی

برخی از اعضای کنگره امریکا تأکید بر بازسازی سیاست‌های منطقه‌ای ایران دارند. این اظهارات دقیقاً همان ادعاهایی است که برخی کشورهای عربی برای به چالش کشیدن تحرک ژئوپلیتیک ایران دارند.

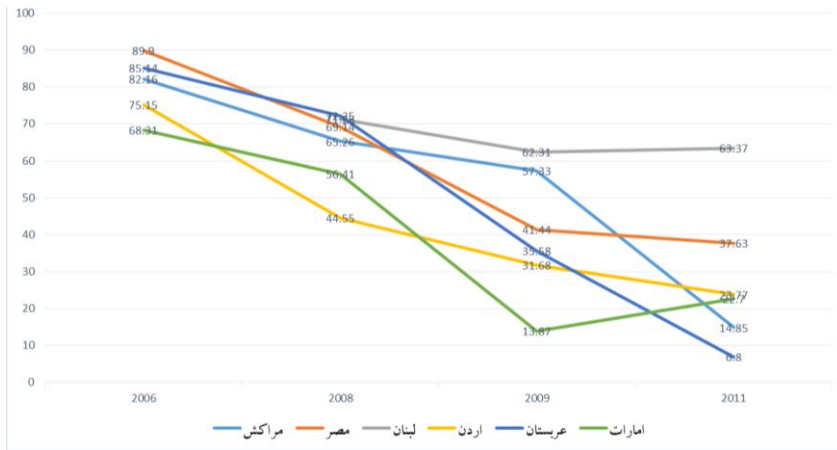
مرکز مطالعات بین‌المللی و راهبردی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین کنون‌های تفکر و لابی‌گر اعراب در امریکا، در گزارش مفصلی ایران را بزرگ‌ترین قدرت خلیج فارس می‌داند و قصد دارد از این رهیافت، این کشور را تهدیدی برای منطقه جلوه دهد (Cordsman & Wilner, 16 May 2012).

گزارش این مرکز لزوم همکاری امریکا با کشورهای این منطقه برای مهار ایران را ضروری می‌داند. هرچند در همین گزارش مقایسه هزینه‌های نظامی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، نشان می‌دهد که هزینه‌های نظامی این کشورها بسیار بیشتر از ایران است.

برآورد این مرکز نشان می‌دهد مجموع خرید تسلیحات ایران در ۱۱ سال، حدود ۸ میلیارد دلار بوده که در مدت مشابه، این هزینه، تنها برای امارات بیش از ۳۵ میلیارد دلار بوده است (Cordsman & Wilner, 16.May.2012: 74-81). آنچه مشخص است روابط نزدیک کشورهای حاشیه خلیج فارس با بسیاری از کشورهای جهان به خصوص امریکا، زمینه را برای کسب توان نظامی بیشتر و منزوی کردن ایران در منطقه به دنبال دارد، اما ایران هنوز هم یکی از قدرت‌های تأثیرگذار در غرب آسیا است.

مؤسسه اعراب امریکایی در گزارشی با عنوان «نگرانی عمیق» از سیاست‌های منطقه‌ای ایران (در فاصله سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۶) که در سال ۲۰۱۱ منتشر کرده، سعی در تصویرسازی منفی از این کشور در بین کشورهای مهم عربی دارد (Zogby, 2011: 4). در جامعه هدف این گزارش، ۵ کشور از ۶ کشور موردنظر با سوءظن به نقش منطقه‌ای (از جمله حضور در عراق و نقش‌آفرینی در بحرین و مسائل خلیج فارس) می‌نگرند. این میزان به شکل قابل توجهی در سال‌های اخیر، روندی نزولی را طی می‌کند (شکل ۲).

شکل ۲: دیدگاه کشورهای عربی نسبت به نقش منطقه‌ای ایران ۲۰۰۶-۲۰۱۱



منبع: (Zogby, 2011: 4)

ملک سلمان در مذاکرات خود با اوباما در واشینگتن، سعی در تثبیت این موضوع داشت که «بازسازی روابط با ایران می‌تواند مشکلاتی را برای امنیت منطقه‌ای و جهانی به دنبال داشته باشد»، اما اوباما از اینکه کشورهای عربی منشأ همه مشکلات منطقه را ایران می‌دانند، انتقاد کرد. او معتقد بود، عربستان باید سهمیم شدن ایران در غرب آسیا را بیاورد و با ایجاد نوعی صلح سرد، به رقابت منفی در این منطقه پایان دهد (Goldberg, April. 2016).

۱۱. توافق هسته‌ای ایران با قدرت‌ها و حساسیت اعراب

در سال‌های اخیر، برنامه هسته‌ای ایران به یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های برخی سران عربی تبدیل شده است؛ به طوری که آنها هرگونه توافق ایران با غرب بر سر برنامه موصوف را تثبیت قدرت منطقه‌ای ایران می‌دانند. موضوع هسته‌ای ایران برای اولین بار در قالب دغدغه‌های زیست محیطی در سال ۲۰۰۶، در دستورکار اجلاس سران شورای همکاری خلیج فارس قرار گرفت و در اجلاس سال بعد، مطالعه پیرامون برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای برای خود در پاسخ به برنامه ایران را آغاز کردند (فرازمند، ۱۳۸۸: ۴۲).

اعراب نگران فضا و آزادی عمل احتمالی بعدی ایران و به دست آوردن

چیزی فراتر از آنچه از دست می‌دهد، هستند (Heller & McDawall, 2S.ep.2013). چنانچه عنوان شد، این نگرانی برخی حاکمان عربی را علی‌رغم کمترین اشتراک سیاسی، به طرز بی‌سابقه‌ای به اسرائیل نزدیک کرده است.

مقام‌های سعودی علاوه بر اینکه خواستار توان هسته‌ای شبیه آنچه در اختیار ایران است، هستند، معتقدند: «پس از توافق هسته‌ای، یک جهش (در قدرت ایران) ایجاد می‌شود و ما می‌خواهیم مطمئن شویم که عقب نمی‌مانیم» (Amanpour, 14.May.2015). اعتقاد آنها بر این است که: «ما نمی‌توانیم عقب بنشینیم و ببینیم وقتی ایران اجازه دارد اکثر قابلیت خود را حفظ کند و ما جایگاهی نداشته باشیم» (Davis, 14.May.2015). دیدار سرزده وزیر خارجه عربستان با وزیر خارجه امریکا (آن هم در داخل هواپیما) در وین و در جریان یک دور از مذاکرات ایران با ۱+۵ که به سمت کاهش اختلاف پیش می‌رفت، میزان نگرانی مقامات سعودی از بهبود روابط ایران با غرب را نشان می‌دهد.

یکی از نگرانی‌های اعراب، توافق امریکا و ایران برای بهبود روابط با یکدیگر پس از سال‌ها دشمنی و آسیب دیدن تضمین امنیتی امریکا به کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس است. بسیاری از تحلیل‌گران، مصالحه نسبی ایران و امریکا و نبود تضمین‌های امنیتی - دفاعی کافی برای مقابله با ایران را دلیل اصلی تشکیل نشست ۱۴ مه ۲۰۱۵ امریکا و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در کمپ دیوید می‌دانند (Shapiro, 12.May.2015). محور اصلی این نشست، برنامه و مذاکرات هسته‌ای ایران و تأمین امنیت مرزهای کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بود. اعراب اگرچه نگران ایران هسته‌ای هستند، اما ایران پرنفوذ در منطقه برای آنها غیرقابل تحمل‌تر است (Telhami, 19.May.2015). سعودالفیصل از اواما خواست که «راه‌های عاری شدن منطقه از تسلیحات هسته‌ای» را بیابد و مدعی شد که تشکیل داعش نتیجه مستقیم شهوت نوری مالکی برای کسب قدرت و نیز تقویت فرقه‌گرایی در عراق توسط ایران بوده است.

ایران در حال حاضر یکی از قدرت‌های غرب آسیا است و نگرانی اعراب از قدرت‌یابی بیشتر آن نشان از پذیرش این موضوع دارد و سعی دارند از طریق

تأثیرگذاری بر توافق هسته‌ای ایران و غرب، قدرت این کشور را مهار کنند. اعراب معتقدند که ایران با دخالت در لبنان، عراق، سوریه و یمن به دنبال اهداف «توسعه‌ای» خود است (Foster, 14.May.2015). «بی‌ثبات‌سازی منطقه‌ای» تعبیری است که برخی از کشورهای عربی از کنش ایران در غرب آسیا دارند. ملک سلمان، پادشاه عربستان معتقد است: «نیاز به مقابله با یک تهدید خارجی است، تهدیدی که سعی دارد کنترلش را گسترش دهد و استیلای خویش را مستحکم کند، امری که موجب تهدید ثبات منطقه‌ای و ایجاد فتنه فرقه‌ای می‌شود» (Jedini, 8.May.2015).

به‌زعم اعراب، در صورت توافق نهایی با غرب و رهایی ایران از تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی، پایانی برای اهداف و بلندپروازی‌های منطقه‌ای ایران نمی‌توان تصور کرد، اما هدف امریکا از توافق هسته‌ای با ایران، برقراری یک موازنه جدید در غرب آسیا است (Gardner, 12.May.2015). وزیر خارجه امریکا در ملاقات پیش از اجلاس کمپ دیوید با پادشاه عربستان، صراحتاً قول توافق امنیتی جدیدی به وی داد و تصریح کرد که لغو تحریم‌ها سبب افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران نخواهد شد.

به نظر می‌رسد اعراب تمایل دارند ماهیت روابط امنیتی‌شان با امریکا از جنس ماده ۵ ناتو باشد که اشعار می‌دارد: «حمله به هر عضو، تجاوز به همه اعضا محسوب می‌شود» (امینیان، ۱۳۸۶: ۳۱۱) و سعی داشتند که در کمپ دیوید به این مهم برسند که مورد مخالفت امریکا قرار گرفت.

۱۲. چشم‌انداز لابی‌گری اعراب در امریکا

هرگونه دگرگونی در راهبرد امنیتی امریکا تابعی از شکل‌بندی کنش بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی است. عربستان موفق شده از ۱۹۳۲ به این سو جایگاه سیاسی، اقتصادی و راهبردی خود در امریکا را از طریق لابی‌های مؤثر در ساختار امنیتی این کشور مستحکم نماید. هرچند نفت ارزان، واردات سلاح از امریکا، سرمایه‌گذاری خارجی و ذخایر ارزی و اوراق بهادار حدود یک تریلیون دلاری عربستان در این کشور، مدت‌ها زنجیره ارتباطی دو کشور را مستحکم می‌کند اما

بلندپروازی و ماجراجویی‌های خاندان آل‌سعود سبب برهم زدن توازن قدرت منطقه‌ای و بالا رفتن هزینه‌های حمایت امریکا از آنها شده است.

مجموع تحولات سال‌های اخیر نشان می‌دهد کنش‌های عربی از جنس لابی‌گری به مرور جایگاه پیشین خود را از دست خواهد داد. اندیشمندان امریکایی معتقدند روابط نزدیک با حکومت‌های سنی برای این کشور کافی نیست و نیاز به صحبت با قدرت شیعه در غرب آسیا هم ضروری است (Goldenberg & Kaplan, 7.May.2015). از طرفی سیاست خارجی کنونی عربستان «ارتجاعی»، «ضدانقلاب» و «واپس‌گرا» است که تمایلی برای تغییر وضع موجود ندارد و در صدد ایجاد هراس درباره قابلیت‌ها و اهداف منطقه‌ای ایران است (Fuller, 14.May.2015). از نظر اوباما هم مشکل کشورهای عربی، نه ایران بلکه «جوانان بیکار، ایدئولوژی‌های مخرب و پوچ و جمعیتی که گاهی سرخورده می‌شوند» است (Friedman, 5.April.2015).

دلیل دیگر، عدم حضور ۴ تن از سران شورای همکاری خلیج فارس از بین ۶ نفر و نیز سردی روابط امریکا و اعراب در کمپ دیوید است که از چند نشانه می‌توان آن را نتیجه گرفت: «دست دادن خارج از عرف دیپلماتیک اوباما با مقامات عرب»، «رفتار نه چندان گرم کارمندان کاخ سفید با ایشان»، «تأکید مجدد بر فروش قانونی S-300 روسیه به ایران»، «ندادن تضمین فروش جنگنده‌های F-35 به عربستان» (Spetalnick & Shalal, 6.May.2015)، «مخالفت دوباره با اقدام مستقیم نظامی در سوریه»، «تأکید بر هماهنگی و برنامه‌ریزی قبلی با امریکا در یمن بدون حضور نظامی امریکا»، «تصریح بر بی‌معنا بودن برنامه هسته‌ای مشابه برنامه ایران برای کشورهای عربی خلیج فارس» و در نهایت، اعلام این جهت‌گیری که «نگرانی اعراب از تهدید ایران همه آنچه که مطرح می‌شود، نیست».

اما مهم‌ترین عامل تضعیف نقش لابی‌های عربی، موضوع «نفت» است. تقاضای نفت خام در جهان در سال ۲۰۱۴، معادل ۹۳ میلیون بشکه در روز است که تا سال ۲۰۴۰ به ۱۱۱ میلیون بشکه در روز می‌رسد (US EIA, Jan.2014). از

طرفی در حال حاضر هزینه استخراج نفت ماسه‌ای^۱ در جهان در مقایسه با نفت متعارف^۲ صرفه اقتصادی ندارد، اما با گسترش فناوری‌های جدید، هزینه‌های این روش به طور چشم‌گیری در حال کاهش است. مجموع ذخایر اثبات شده نفت متعارف و ماسه‌ای در جهان، به ترتیب ۱/۴ و ۳ تریلیون بشکه است که ۶۲ درصد منابع نفت ماسه‌ای در اختیار امریکاست (Allix, et al, Winter 2010-2011) (شکل ۳).

شکل ۳: میزان منابع بیشتر شناخته شده نفت ماسه‌ای در ۱۴ کشور (تریلیون بشکه)



منبع: (Knaus et. al, 2010: 14)

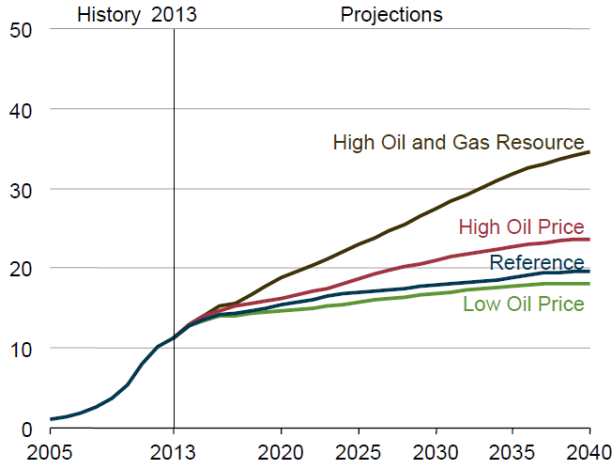
سهم نفت ماسه‌ای در اقتصاد امریکا در سال ۲۰۰۸، معادل ۸ درصد بود که در سال ۲۰۱۴، به ۴۰ درصد رسید و سبب کاهش واردات نفت خام از ۶۰ به ۴۰ درصد شده است (Morse, May/June 2014: 7) (شکل ۴). در این بازه زمانی به میزان ۲۳/۷۴ درصد از واردات نفت امریکا از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به خصوص عربستان - کم شده است (Bremmer, 16.May.2015). پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۰، امریکا بزرگ‌ترین تولیدکننده و از سال ۲۰۳۰، صادرکننده نفت باشد (BP, Feb.2015) (شکل ۵). یکی از دلایل تصمیم عربستان برای کاهش قیمت نفت در سال ۲۰۱۴، جلوگیری از ورود سرمایه‌گذاران بزرگ دنیا در تولید نفت ماسه‌ای بود.

از طرفی بی‌نیاز شدن امریکا از نفت و گاز غرب آسیا نه تنها موجب کاهش علائق این کشور به منطقه نخواهد شد بلکه قدرت مانور امریکا در برابر رقیبان را

1. Shale Oil
2. Conventional

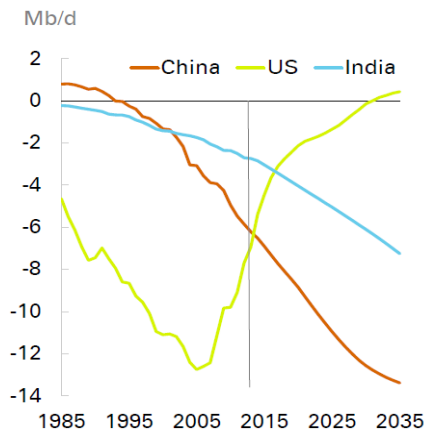
افزایش خواهد داد (Nye, Summer 2012: 23). باید توجه داشت که رقابت امریکا و چین بر سر منابع انرژی خلیج فارس سبب می‌شود که امریکا به طور کامل تمرکز خود را از غرب آسیا برنهد و این منطقه همچنان در نگاه آنها مهم و راهبردی باشد.

شکل ۴: پیش‌بینی تولید نفت و گاز ماسه‌ای ایالات متحده ۲۰۴۰-۲۰۰۵ (تریلیون فوت مکعب)



منبع: (U.S. EIA, Apr. 2015: 21)

شکل ۵: تغییر الگوی واردات-صادرات نفت خام امریکا بعد از سال ۲۰۰۳م



منبع: (BP, Feb. 2015)

وضع نابسامان نظام سیاسی بیشتر کشورهای عربی سبب می‌شود حوزه‌های سیاست خارجی تحت‌تأثیر این شرایط برد کمتری در عرصه بین‌المللی داشته باشد. برای مثال عربستان همواره محور اصلی سیاست‌های غرب آسیایی امریکا بوده است و مسئله نفت و امنیت آن عامل مهم نادیده گرفتن فساد موجود در این نظام شده است. اما گستردگی این فساد به حدی است که شاید فرصت کافی برنامه‌ریزی برای جلوگیری از فروپاشی پادشاهی سعودی از طرف ایالات متحده نباشد (Chayes & Waal, 16.Feb.2016).

نتیجه‌گیری

سیاست‌های امریکا به شدت تحت‌تأثیر لابی‌های مختلف سازماندهی می‌شود. مسئله اصلی در پژوهش حاضر، واکاوی نقش و جایگاه لابی‌های عربی در سیاست خارجی امریکا در مواجهه با ایران است. ماهیت و شکل برخی حکومت‌های عربی در سال‌های پس از انقلاب ۱۳۵۷، ایران را تهدیدی دائمی برای خود قلمداد می‌کند. قطع روابط امریکا با ایران، این زمینه را برای شکل‌گیری و تقویت لابی‌های عربی (که فلسفه اولیه تشکیل آنها مقابله با ایران نبود) فراهم ساخت تا ضمن تقویت نقش امریکا در منطقه و حمایت از حاکمیت خود، سیاست‌های تقابلی این کشور با ایران را تشدید کند.

پرسش کانونی این پژوهش این بود که «لابی‌اعراب چگونه بر سیاست خارجی امریکا در قبال ایران تأثیر می‌گذارد؟ به نظر می‌رسد، طرز فکر کشورهای غربی به خصوص امریکا این است که ایران به دنبال کسب هژمونی منطقه‌ای است و این ذهنیت با تحریک اعراب از طریق لابی‌گری وارد مراحل خطرناکی شده است؛ لذا این لابی‌ها با تصویرسازی منفی از قدرت ایران سعی می‌کنند ایران‌هراسی را در سیاست‌های امریکا تشدید کنند.

تلاش پژوهش حاضر این بود که ابتدا جایگاه لابی‌گری و گروه‌های ذی‌نفوذ را در سیاست‌های امریکا به خصوص سیاست خارجی بررسی کند. سپس با تبیین جایگاه اعراب در ساخت سیاسی-اجتماعی این کشور، به دنبال نقش لابی‌های عربی در این ساختار است تا از این رهیافت بتوان چگونگی اقدامات ضدایرانی را

در آن تعیین کرد. آنچه مشخص است، سفارت‌های عربی و برخی صنایع و شرکت‌های تجاری در کنار تعدادی از مراکز تحقیقاتی و سیاست‌سازی در امریکا بیشترین لابی‌گری را در این خصوص انجام می‌دهند.

واقعیت امروز روابط ایران و اعراب، انعکاسی از تداخل سطوح مختلف از منافع، چالش‌های امنیتی و تغییرات ژئوپلیتیکی است. سقوط رژیم صدام در عراق و نفوذ روزافزون ایران در این کشور، نگرانی حکومت‌های محافظه‌کار عرب و مقابله با ایران را در پی داشت. این تلاش‌ها تا جایی ادامه داشت که جنگ داخلی سوریه به نیابت از ایران توسط غرب، اسرائیل و برخی حکومت‌های عربی آغاز شد.

اعراب هرگونه مصالحه را نشانه رضایت امریکا مبنی بر تقویت نقش فعال‌تر تهران در غرب آسیا می‌دانند. مناقشه بر سر برنامه هسته‌ای ایران در یک دهه اخیر، بار دیگر ایران و غرب (به رهبری امریکا) را رو در روی یکدیگر قرارداد. اگرچه یک ایران هسته‌ای هرگز خوشایند اعراب شورای همکاری خلیج فارس به خصوص عربستان نیست، اما هدف آنها از بزرگ‌نمایی این برنامه، نگرانی از نفوذ روزافزون ایران در منطقه است. به عقیده مقام‌های عربستان، این مذاکرات به توافقی که صلح را در پی دارد منجر نمی‌شود، آنها گمان می‌کنند که این توافق منجر به تسلط ایران بر خلیج فارس می‌شود. در تصورات آنها، این توافق هیچ ربطی به جاه‌طلبی‌های ایران ندارد، بلکه تنها برابری امریکا به‌عنوان نیرویی که به محدودکردن ایران کمک می‌کند را از این کشور می‌گیرد.

هیچ پدیده‌ای به اندازه وقوع انقلاب، پادشاهان عربی را نگران نمی‌کند. ماهیت انقلابی حکومت جمهوری اسلامی ایران، سبب می‌شود امریکا برای تضمین امنیت این پادشاهان حرف‌های آنها را برای مقابله با ایران جدی بگیرد. بدیهی است تلاش لابی‌های عربی برای عدم برقراری رابطه ایران و امریکا و تضعیف نقش منطقه‌ای ایران ادامه خواهد داشت و اگرچه بر مبنای تحلیل‌های موجود، به مرور میزان اثرگذاری این لابی کم خواهد شد، اما این امر به سرعت حاصل نمی‌شود و هنوز هم نفت اعراب جایگاه ویژه‌ای نزد امریکا دارد.

یادداشت‌ها

۱. جاستا علیه حامیان تروریسم تصویب شده و با توجه به مدارک موجود مبنی بر حمایت شاهزادگان سعودی از عاملین حملات ۱۱ سپتامبر، می‌بایست در دادگاه‌های امریکا بازجویی و محاکمه شوند.

منابع

الف) فارسی

- ابوالفتح، امیرعلی و قلی‌پور، آرزو. ۱۳۸۲. برآورد استراتژیک ایالات متحده امریکا، تهران: مؤسسه ابرار معاصر.
- احمدی‌لفورکی، بهزاد. ۱۳۸۷. لابی و لابی‌گری در امریکا، تهران: مؤسسه ابرار معاصر.
- امینیان، بهادر. ۱۳۸۶. امریکا و ناتو: پایایی و گسترش ناتو و هژمونی امریکا، تهران: دانشگاه امام حسین^(ع).
- تری، جنیس ج. ۱۳۸۸. سیاست خارجی امریکا در غرب آسیا: نقش لابی‌ها و گروه‌های نفوذ، ترجمه ارسلان قربانی و رضا سیم‌بر، تهران: انتشارات سمت.
- دورژه، موریس. ۱۳۸۹. اصول علم سیاست، ترجمه: ابوالفضل قاضی، تهران: امیرکبیر.
- رضوی طوسی، لیلا. ۱۳۸۹. قانون اساسی ایالات متحده امریکا، تهران: انتشارات خرسندی.
- عبداله‌خانی، علی و کاردان، عباس. ۱۳۹۰. رویکردها و طرح‌های امریکایی درباره ایران، تهران: مؤسسه ابرار معاصر.
- فرازمند، محمد. ۱۳۸۸. «ایران و مناسبات جدید قدرت در غرب آسیا»، در: محمود واعظی، ایران و اعراب، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- قوام، سیدعبدالعلی. ۱۳۸۷. اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
- متقی، ابراهیم. مرداد ۱۳۹۱. «جایگاه‌یابی امنیتی عربستان در غرب آسیا»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۶۲.
- مجتهدزاده، پیروز. ۱۳۸۶. دموکراسی و هویت ایرانی، تهران: نشر کویر.

موسوی، محمدعلی و کدخدایی، الهام. تابستان ۱۳۹۰. «روند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی امریکا»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۳، ش ۲.
 نای، جوزف. ۱۳۹۴. آیا قرن امریکا به پایان رسیده است؟، ترجمه ایوب فرخنده، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
 هیوود، آندرو. ۱۳۸۹. سیاست، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نشر نی.
 طباره، ریاض. ۲۵ مهر ۱۳۸۹. «تشکیل لابی عربی در امریکا از رؤیا تا واقعیت»، قابل دسترس در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/8935/.html>

(ب) انگلیسی

- Aarts, Paul and Duijne, Joris Van. (Fall 2009). "Saudi Arabia after US-Iranian détente: Left in the Lurch," **Middle East Policy**, Vol. XVI, No.3.
- Allix, P., Burnham, A. & Fowler, T. (Winter 2010-2011). "Coaxing Oil from Shale", **Oilfield Review**, Paris: Schlumberger.
- Amanpour, Christian. (14.May.2015). "Former Saudi Intel Chief: Problem is 'clouded' U.S. policy" (Interview), Available at: <http://edition.cnn.com/videos/world/2015/05/14/intv-amanpour-prince-turki-al-faisal.cnn>
- Ambrosio, Thomas. 2002. **Ethnic identity groups and U.S. Foreign Policy**, Santa Barbara: Praeger Publishers.
- Arab Households in the United States: 2006-2010** Washington, DC: U.S. Census Bureau.
- Askari, Hossein.(18.March.2011). "A Marriage Made in Hell", **The National Interest**, available at: <http://nationalinterest.org/commentary/marriage-made-hell-5039>
- Bard, Mitchell. (2010). **The Arab Lobby: The Invisible Alliance That Undermines America's Interests in the Middle East**, New York: Harper Brothers Publishing.
- Bard, Mitchell. (Fall2010). "The Arab Lobby: The American Component", **Middle East Quarterly**, Vol. XVII, No.4.
- Bard, Mitchell.(10 January2006). "The Israeli and Arab Lobbies," available at: <https://www.jewishvirtuallibrary.org/jsource/US-Israel/lobby.html>
- Bremmer, Ian. (16.May.2015), "These 5 Facts Explain the Troubled U.S.-Arab Relationship", Available at: <http://time.com/3864061/these-5-facts-explain-the-troubled-u-s-arab-relationship/>
- British Petroleum. (February 2015). **Energy Outlook 2035**, London: Stock Exchange symbol 'BP'.

- Campanille, Carl. (10 February 2017). "Saudi Funding Veterans DC Trip to Oppose Terror Suit Law", Available at: <http://nypost.com/2017/02/10/saudis-funding-veterans-dc-trip-to-oppose-terror-suit-law/>
- Carlisle, Rodney P. 2011. **Multicultural America: Volume II: The Arab Americans**, New York: Facts On File.
- Chayes, Sarah and Waal, Alex De. (16 February 2016), **Start Preparing for the Collapse of the Saudi Kingdom**, Available at: <http://www.defenseone.com/ideas/2016/02/de-waal-and-chayes-saudi-arabia/125953/>
- Clemetson, Lynette. (19 October 2003). **Arab-Americans Gain a Higher Political Profile**, Available at: <http://www.nytimes.com/2003/10/19/us/arab-americans-gain-a-higher-political-profile.html>.
- Cooper, Helene. (30.March.2007). "U.S. Feels Sting of Winning Saudi Help with Other Arabs," Available at: http://www.nytimes.com/2007/03/30/world/middleeast/30assess.html?_r=0
- Cordsman, Anthony H. & Wilner, Alexander.(16.May.2012). **The [Persian] Gulf Military Balance 2012**, Washington: CSIS.
- Davis, Julie H. & Sangermay, David E. (14.May.2015). "Obama Pledges More Military Aid to Reassure Persian Gulf Allies on Iran Deal", Available at: <http://www.nytimes.com/2015/05/15/world/middleeast/obama-saudi-arabia-iran-persian-gulf-security.html>
- De La Cruz, Patricia & Brittingham, Angela. Dec. 2003. "The Arab Population 2000", **Census 2000 Brief**, US Census Bureau.
- Deborah, Amos. (21.April.2006). "Paper on Israel Lobby Sparks Heated Debate", Available at: <http://www.npr.org/templates/story/story.php?storyId=5353855>
- Fang, Lee. (18.September.2014). "**The Saudi Lobbying Complex Adds a New Member**", Available at: <https://www.thenation.com/article/saudi-lobbying-complex-adds-new-member-gop-super-pac-chair-norm-coleman/>
- Foster, Peter. (14.May.2015). "**Barack Obama attempts to defuse Iran fears at Camp David summit**", Available at: <http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/northamerica/usa/11606896/Barack-Obama-attempts-to-defuse-Iran-fears-at-Camp-David-summit.html>
- Friedman, Thomas L. (5.April.2015). "**Iran and the Obama Doctrine**",



Available at: <http://www.nytimes.com/2015/04/06/opinion/thomas-friedman-the-obama-doctrine-and-iran-intew.html>?

Fuller, Graham E. (14.May.2015). "**Saudi Arabia: this is Leadership?**"

Available at: <http://www.lobelog.com/saudi-arabia-this-is-leadership/>

Fuller, Graham E. (Winter/Spring 1999). "Political Islam and U.S. Policy", **Middle East Affairs Journal**, Vol.5, No.1-2.

Gardner, David. (12.May.2015). "**Gulf Arabs fear Iran with cash as much as Iran with the bomb**", Available at: <http://www.ft.com/cms/s/0/62ca7acc-f89d-11e4-8e16-00144feab7de.html>

Gerstein, Josh. (20.December.2004). "**P.R. Effort by Saudis Sparks Justice Probe**", Available at: <http://www.nysun.com/foreign/pr-effort-by-saudis-sparks-justice-probe/6502/>

Goldberg, Jeffrey. (8.Dec.2010). "**Fact-Checking Stephen Walt**", Available at: <http://www.theatlantic.com/international/archive/2010/12/fact-checking-stephen-walt/67648/>

Goldberg, Jeffrey. (April 2010). "**The Obama Doctrine: The U.S. president talks through his hardest decisions about America's role in the world**", Available at: <http://www.theatlantic.com/magazine/archive/2016/04/the-obama-doctrine/471525/>

Goldberg, Jeffrey. (April 2010). "**The Obama Doctrine: The U.S. president talks through his hardest decisions about America's role in the world**", Available at: <http://www.theatlantic.com/magazine/archive/2016/04/the-obama-doctrine/471525/>

Goldenberg, Ilan & Kaplan, Robert D. (7.May.2015). "**The Geopolitics of the Iran Nuclear Deal**", Available at: <http://nationalinterest.org/feature/the-geopolitics-the-iran-nuclear-deal-12827>

Heller, Jeffrey & McDowall, Angus. (2.Sep.2013). "**Insight: As Obama blinks on Syria, Israel, Saudis make common cause**", available at: <http://www.reuters.com/article/2013/09/02/us-syria-crisis-israel-saudi-insight-idUSBRE9810CE20130902>

Hersh, Seymour M. (5.Mach.2007). "Is the Administration's new policy benefitting our enemies in the war on terrorism?", **The New Yorker**, available at: <http://www.newyorker.com/magazine/2007/03/05/the-redirection>

Ho, Catherine. (14.September.2014). "**Thomas Boggs Jr. death comes as Squire Patton Boggs faces critical juncture**", Available at: http://www.washingtonpost.com/business/capitalbusiness/thomas-boggs-jr-death-comes-as-squire-patton-boggs-faces-critical-juncture/2014/09/17/_story.html

- Ibrahim, Saad. (Autumn 1974). "American Domestic Forces and the October War," **Journal of Palestine Studies**, Vol. 4, No.1.
- Jones, Peter. 1998. **Towards a regional security regime for the Middle East: Issues and options**. Stockholm: Stockholm International Peace Research Institute.
- Khalaf, Samir. 1987. "The background and causes of Lebanese/Syrian immigration to the United States before World War I", in Eric James Hooglund (Ed.), **crossing the Waters: Arabic speaking immigrants to the United States before 1940**, Washington: Smithsonian Institution Press.
- Knaus, E., Killen, J., Biglarbigi, K. & Crawford, P. 2010. "An Overview of Oil Shale Resources", in: Ogunsola and Hart stein (Eds), **Oil Shale: A solution to the Liquid Fuel Dilemma**, Washington: DC: American Chemical Society, ACS Symposium Series1032.
- Lake, Eli. (27.February.2009). "**Obama's intelligence pick linked to Saudi Arabia**", Available at: [http:// www. washingtontimes. com/ news/ 2009/feb/27/obamas-intelligence-pick-linked-to-saudi-ara/?page=all](http://www.washingtontimes.com/news/2009/feb/27/obamas-intelligence-pick-linked-to-saudi-ara/?page=all)
- Lipton, Eric, Brooke, Williams & Confessore, Nicholas. (6.September.2014). "**Foreign Powers Buy Influence at Think Tanks**", Available at: [http:// www. nytimes. com/ 2014/09/07/ us/ politics/ foreign- powers- buy- influence- at-think-tanks.html?_r=2](http://www.nytimes.com/2014/09/07/us/politics/foreign-powers-buy-influence-at-think-tanks.html?_r=2)
- Marrar, Khalil. 2009. **The Arab Lobby and US Foreign Policy**, New York: Routledge.
- Morse, Edward L. (May/June 2014). "**Welcome to the Revolution: Why Shale is the Next Shale**," Foreign Affairs, Available at: [https:// www. foreignaffairs. com/articles/2014-04-17/welcome-revolution](https://www.foreignaffairs.com/articles/2014-04-17/welcome-revolution)
- Nye, Joseph. (Summer 2012). "**The Geopolitics of U.S. Energy Independence: A symposium of Views**", The International Economy Magazine.
- Ostry, S. 2003. "**Convergence and sovereignty: Policy scope for compromise**", Edited by: Aseem Prakash and Jeffrey A. Hart, Coping With Globalization, London: Routledge.
- Ottaway, David B. 2008. **The King's Messenger: Prince Bandar bin Sultan and America's Tangled Relationship with Saudi Arabia**, New York: Walker & Company.





- Paul, David M. & Paul, Rachel Anderson. 2009. **Ethnic Lobbies and US Foreign Policy**, Boulder: Lynne Rienner.
- Shapiro, Jeremy. (12.May.2015). **"It's Time to Stop Holding Saudi Arabia's Hand"**, Available at: <http://foreignpolicy.com/2015/05/12/its-time-to-stop-holding-saudi-arabias-hand-gcc-summit-camp-david/>
- Smith, Tony. 2000. **Foreign Attachments; The Power of Ethnic groups in the Making of American Foreign Policy**, Cambridge: Harvard University Press.
- Spetalnick, Matt and Shalal, Andrea. (6.May.2015). **"Obama expected to push for Gulf missile defense at U.S. summit"**, Available at: <http://www.reuters.com/article/2015/05/06/us-usa-gulf-iran-idUSN0NR920150506>
- Suleiman, Michael W. 1984. "Arab-Americans: A Community Profile", **Journal of Institute of Muslims Minority Affairs**, Vol.5, No.1.
- Telhami, Shibley. (19.May.2015). **"On Iran, the GCC is paying the price of relying on Benjamin Netanyahu"**, Available at: <http://www.brookings.edu/blogs/markaz/posts/2015/05/19-gcc-summit-obama-gulf-israel-iran-telhami>
- Terry, Janice J. 1999. "Community and Political Activism among Arab Americans in Detroit," in Michael W. Suleiman (Ed.), **Arabs in America: Building a New Future**, Philadelphia: Temple University Press.
- Terry, Janice J. 2002. **The Role of Lobbies in the Formation of U.S. Policy in the Middle East**, Beirut: Center for Arab Unity Studies.
- U.S. Energy Information Administration, (April 2015). **Annual Energy Outlook 2015**, Washington, DC: Office of Integrated and International Energy Analysis.
- US Energy Information Administration, (January 2014). **Short-Term Energy Outlook (STEO)**, Washington, DC: Office of Integrated and International Energy Analysis.
- Wilson, Megan. (2.Nov.2016). **"Saudi Arabia Now Employing 14 Lobby Firms as it Fights 9/11 Law"**, Available at: <http://thehill.com/business-a-lobbying/business-a-lobbying/304019-saudi-arabia-continues-expansion-of-k-street-force>
- Wright, Robin and Baker, Peter. 2004. **"Iraq, Jordan See Threat to Election from Iran"**, Available at: <http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/>

articles/A43980-2004Dec7.html

Zak, Dan. (5.February.2012). "K Street: The route of all evil, or just the main drag?" Available at: <http://www.washingtonpost.com/lifestyle/style/k-street-the-route-of-all-evil-or-just-the-main-drag/2012/01/26/gIQAastory.html>

Zogby, James. 2011. **Arab Attitude toward Iran**, UAE: Arab American Institute.